

غزل شماره ۲۰۸

خنگان را چو طلب باشد و قوت نبود
گر تو میداد کنی شرط مرّوت نبود

ما بجا از تو ندیدیم و تو خود پسنیدی
آنچه در مذہب ارباب طریقت نبود

خیره آن دیده که آتش بر دگریه عشق
تیره آن دل که در او شمع محبت نبود

دولت از مرغِ هایون طلب و سایه او
زان که بازغ و زغن شهر دولت بود

کردم خواستم از پیرمغان عیب مکن
بیخ ما گفت که در صومعه همت بود

چون طهارت بود کعبه و بتخانه یکلیست
بود خیر در آن خانه که عصمت بود

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه
هر که را نیست ادب لایق صحبت بود

تفسیر فال

مردانگی و مروت به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهد که بخواهی به ضعیفان زور بگویی و بر آن‌ها تسلط یابی. در حقیقت، این رفتار نه تنها نشانه‌ای از قدرت نیست، بلکه به نوعی نشان‌دهنده ضعف شخصیت فرد است. گاهی اوقات، تحت تأثیر سخنان و قضاوت‌های دیگران، ممکن است اقداماتی را انجام دهی که خودت هرگز آن‌ها را نمی‌پسندی یا حتی با آن‌ها توافقی نداری. اگر دهن‌بین باشی و فقط به نظر دیگران توجه کنی، شمع دلت خاموش می‌شود و قلبت تیره و تار خواهد گردید. در این حالت، روح تو از نور ایمان و محبت خالی می‌گردد. همیشه باید از خداوند متعال کمک بخواهی نه از بندگان او که خود نیز نیازمند رحمت الهی هستند. زیرا تنها اوست که قادر است در مشکلات یاری‌رسان باشد و راه‌های صحیح را برای ما نمایان کند. همچنین توصیه می‌شود هر کاری را با وضو انجام بده تا لایق درگاه حق باشی؛ زیرا وضو تنها پاکیزگی ظاهری نیست بلکه نشان‌دهنده پاکیزگی باطنی نیز هست. با این عمل می‌توانی ارتباط نزدیکتری با خداوند برقرار کنی و احساس آرامش بیشتری در زندگی خود داشته باشی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)